

## بررسی سیاست‌های نظام مالی صدر اسلام در سرزمین‌های خلافت شرقی (ایران) تا پایان عصر اموی

عباس شهرکی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۵

ابراهیم خراسانی پاریزی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۳۰

علی رحیمی صادق<sup>۳</sup>

### چکیده

قوانین و مقررات مالی مسلمانان به رغم ظاهر ساده و بی‌پیرایه، بسی مشکل و پیچیده است. گذشته از اختلاف نظر مکاتب فقهی در برخی اصول و بسیاری فروع، جزئیات بسیار دقیق احکام مالی مسلمانان، سخت و دشوار است. در عصر فتوحات اسلامی نظام مالی ساده اسلام با نظام‌های مالی تمدن ایران و روم برخورد نمود، در این رویارویی خلفای اسلامی دریافتند که نه تنها نظام مالی اسلام پاسخگوی امروز جهان اسلام نیست بلکه به مصلحت حکومت خود می‌دیدند که مقررات بومی و سرزمینی را جهت پیشبرد اهداف و مقاصد خود به کار گیرند. حاکمان اسلامی در ایران به نظام مالی برخورد کردند که بسیار پیچیده تر و منظم تر از نظام مالی آنها بود و عوایدی را نصیب دستگاه خلافت می‌کرد که خلفا را ترغیب به بکارگیری این نظام مالی می‌کرد. پژوهش حاضر درصدد است تا چگونگی مواجهه فاتحان عرب با نظام مالی ایران که دارای سابقه و نظام‌مند بوده است را بررسی نماید. پژوهش حاضر از لحاظ هدف بنیادی و از نظر روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. نتایج پژوهش نشان داد که؛ تسامح خلفای اسلامی با نظام مالی ایران و تأثیر پذیری دستگاه خلافت از نظام مالیاتی ایران عصر ساسانی موضوعات مورد بحث در این تحقیق می‌باشد و همچنین خلفای اموی که بنا بر ثروت و تجمل‌نهاد بودن برای رسیدن به اهداف مالی خود از اشخاص کاردان و متصدیانی برای وصول مالیات استفاده می‌کردند که این اهداف را برآورده سازند حتی اگر گاهی این برآوری خواسته بدون توجه به مسائل شرعی انجام می‌شد و بر مقدار آن بدون حساب و کتاب‌های مجاز دینی افزوده می‌شد.

**کلمات کلیدی:** ایران، دولت خلفا، عصر اموی، مالیات، نظام دیوانی، نظام مالی صدر اسلام.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترا تاریخ و تمدن ملل اسلام، دانشگاه آزاد واحد بافت

<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه آزاد واحد بافت (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه آزاد واحد بافت

نظام مالی جزء لاینفک نظام اقتصادی می باشد که کارایی و عدم کارایی آن تأثیر بسزایی در توسعه اقتصادی ایجاد می کند. تضمین کارایی و پایداری نظام مالی در گرو کیفیت کارکرد انفرادی و تعاملات پویایی ارکان آن می باشد. مهمترین ارکان نظام مالی نهادها، ابزارها و بازارهای مالی می باشند (Demirguc-Kunt, A. and detragiache, E, 2005). نظام مالی اسلامی شبکه‌ای از بازارهای اسلامی، ابزارهای اسلامی و نهادهای اسلامی است که با داشتن روابط نظام مند و تعاملی وظیفه‌ی نقل و انتقال وجوه را از واحدهای مازاد اقتصادی به واحدهای کمبودی در چارچوب اصول و قوانین اسلامی، بر عهده دارند. در واقع نظام مالی اسلامی به آندسته از خدمات، عملیات و معاملات بازار مالی مربوط می شود که بر طبق قوانین اسلامی که شریعت نامیده می شود، باشد (صالحی آبادی، ۱۳۸۴: ۱۳). فتح ایران به دست مسلمانان به مجموعه حملاتی به امپراتوری ساسانی در قرن هفتم میلادی اشاره دارد که از سال ۶۳۳ میلادی در زمان خلافت ابوبکر شروع شد، در زمان عمر به اوج خود رسید و در زمان عثمان منتهی به سقوط کامل دولت ساسانی در سال ۶۵۱ میلادی (مطابق با سال ۳۰ هجری قمری) و کشته شدن یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانیان، گردید. این حملات همچنین باعث افزودن ایران به قلمرو خلافت اسلامی شد. پس از استقرار دین اسلام در سرزمین ایران که در نتیجه پیروزی اعراب مسلمان بر ساسانیان و فتح ایران توسط آنها روی داد، تحولات بسیاری در عرصه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی ایران به وجود آمد. با توسعه سرزمین‌های خلافت و ورود مسلمانان به ایران، ماوراء النهر و روم، خلفا با نظام مالی نظام مندی روبرو شدند که قرن‌ها سابقه داشته و دارای دیوان ثبت و ضبط مالی بوده که در دستگاه مالی اسلام با آن برخورد نداشته بودند. در ابتدای ظهور اسلام در مکه، جامعه مسلمانان بسیار کوچک بود و نیازی به دریافت مالیات وجود نداشت. زمانی که پیامبر (ص) دیده از جهان فرو بست، خلفای راشدین به عنوان حاکمان اسلامی سیاست‌های اقتصادی خود را با توجه به شناخت از اسلام و سنت پیامبر (ص) و موقعیت گسترش دین اسلام در مناطق مختلف و فتوحاتی که در پی داشت به شیوه‌های گوناگون وضع نمودند که هر کدام از این سیاست‌ها آثار و نتایج مخصوص به خود در بین مردم جامعه باقی گذاشت. دستگاه مالی امویان متأثر از نظام مالی مسلمانان در عهد خلفای اولیه بود، اما تفاوت‌های بنیادی نیز با آن دوره داشت. امویان برخلاف اسلام، حکومت متجملانه و پر زرق و برق را جایگزین تشکیلات ساده و آمیخته با معنویت صدر اسلام کردند. از این رو برای تأمین مخارج سنگین دربار، جلب سیاست مداران و فرونشاندن قیام‌ها، به اموال زیادی نیاز داشتند. آنان برای رسیدن به اهداف مالی خود، به ویژه در شرق قلمرو خلافت، والیان را برای امور مالی انتخاب می کردند. والیان و متصدیان وصول مالیات، بیش از هر چیز، تقویت بنیه مالی خود را مد نظر داشته و در راستای خواسته‌های امویان و گاهی بدون توجه به مسائل شرعی، بر انواع مالیات و مقدار آن می افزودند تا تعهد خود را در قبال مرکز خلافت انجام دهند. سیاست افزایش مالیات و اعمال خشونت

برای دریافت آن و تحقیر مردمان مناطق تحت سلطه و داغ نهادن و مهر کردن روستاییان، منجر به فرار مردم پاره‌ای از مناطق شده و زمینه برخی قیام‌ها برضد بنی امیه فراهم آورده و در مسائل مالی، بحران آفرید(سامانی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). این تحقیق سعی نموده است تا برخورد نظام مالی اسلام با نظام مالی ایران و اقدامات مالی خلفا را تا پایان عصر اموی مورد بررسی قرار دهد.

### مروری بر نظام مالی ایران قبل از اسلام

طبق متون تاریخی، در ایران نخستین بار در زمان داریوش بزرگ بود که نظام پرداخت مالیات بر پایه‌ی نظم و ترتیب قرار گرفت و پرداخت‌کنندگان مالیات موظف شدند مالیات خود را براساس فرمان‌های شاه پرداخت کنند(بریان، ۱۳۸۱: ۶۰۸). به شیوه یا ابزاری که حکومت برای اجرا و دریافت مالیات و همچنین برای مصرف درآمدهای به دست آمده به کار می‌گرفت، مالیات‌بندی گفته می‌شد(گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۷۴۱).

از نظام مالیاتی ایران، بیشترین اطلاعاتی که موجود است مربوط به دوره‌ی انوشیروان و اصلاحات اوست و چنانچه از منابعی مثل طبری، کریستن‌سن و شییمان برمی‌آید، اصلاحات انوشیروان پس از سامان‌دهی به اوضاع و قائله‌ی مزدک شکل گرفت. در این دوره، در درجه‌ی اول لازم بود در اصول خراج در ایران تجدید نظر شود چراکه اسلوب قدیم فی‌نفسه روشی کهنه و مهجور شمرده می‌شد و حوائج دولت را بر نمی‌آورد. قباد در اندیشه‌ی تغییر طرز وصول مالیات بود ولی کارهای مقدماتی مربوط به دفاتر در زمان او پایان نیافت و در عهد خسرو خاتمه پذیرفت(پیگولوسکا، ۱۳۵۳: ۱۰۳). در آن دوره خراج به شکل سهمی از محصول که میزان آن را نماینده‌ی دولت معین می‌کرد ماخوذ می‌شد و تا تعیین این سهم کسی حق نداشت محصول را برداشت کند. این شیوه‌ی اخذ مالیات به خودسری و رشوه‌گیری ماموران که دهقانان بودند میدان می‌داد تا ایشان بخشی از محصول را به نفع خویش تصاحب کنند(همان: ۱۰۴).

به‌طور کلی، روش اصلی تولید و منبع درآمد و امرار معاش مردم در زمان ساسانیان، کشت و برز و کشاورزی بود(دریایی، ۱۳۸۳، ۱۱۸). شیوه‌ی تولید و تامین عایدات این دولت را می‌توان براساس پنج اصل به حساب آورد:

۱. زمین و کشت.
۲. صنایع و تجارت.
۳. باج شخصی یا باج سرانه.
۴. غنائم جنگی.
۵. سایر عایدات شامل هدایایی که در اعیاد گوناگون از شاهان محلی دریافت می‌شد(سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۹۱، ۲۵۴).

درآمد دیگر دولت ساسانی معادن طلا به خصوص معادن طلای فارانژیون در ایالت پرس ارمنی و همچنین عوارض گمرکی که به نام مکس و عشور معروف بود می‌باشد (کریستن سن، ۱۳۱۷: ۱۸۶). همچنین ساسانیان علاوه بر مالیات ارضی و سرانه و غنائم جنگی و معادن و گمرک درآمدهای دیگری از هدایا داشتند، هدایایی که در نوروز توسط هدیه‌دهندگان و در دیگر اوقات سال توسط حاکمان و ثروتمندان به شاه داده می‌شد. برای هدایای نوروزی دفتر و دیوان نوروز وجود داشت و دبیری مخصوص که نام هدیه‌کنندگان و پاداشی را که شاه برای هر یک یادداشت می‌نمود در دیوان نوروز ثبت می‌کرد (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۱۴۶).

واحد پول ساسانی دینار بود. ساسانیان فن ضرب سکه را می‌دانستند و عرضه‌ی پول تنها از سوی حاکمان و تحت نظارت آنان برای پرداخت حقوق نظامیان، کارکنان حکومت و مبادلات بازرگانی داخلی و بین‌المللی انجام می‌شد. ساسانیان بر خلاف اسلاف خود، که هرگز اقدام به ضرب سکه‌های زرین نکرده بودند، به دلیل شهرت طلبی، ضرب طلا را یک ضرورت تشخیص دادند (آلتهایم، ۱۳۸۲: ۲۰۹).

### رویا رویی اعراب با نظام مالی ایران

به هر روی دستگاه عریض و طویل ساسانی سرانجام به دست اعراب سقوط کرد و از آن پس تمدن ایران مانند و قومی بیگانه و ناآگاه که با وجود این ناآگاهی، بر آن برتری جست و مردمان طبقات مختلف نظام طبقاتی ساسانی به گونه‌ای دیگر و در طبقه‌بندی تازه‌تر گرفتار آمدند. هنگامیکه اعراب با سیستم مالیات‌گیری ایرانیان روبرو شدند به دلیل ناآشنایی با قوانین پیچیده مالی ترجیح دادند از خود ایرانیان در نظم بخشیدن به امور مالی استفاده کنند لذا هم چنان که در دوره ساسانی، دهقانان به عنوان مأموران وصول خراج منطقه خود مطرح بودند در دوره اسلامی نیز از این مأموران بهره‌گیری شد. در دوره ساسانی، دهقانان که با وجود تفاوت مراتب بین خود به هر حال در سلسله مراتب اجتماعی، مقام آنها بلافاصله بعد از فئودال‌های بزرگ بود، در دوره اسلامی تقریباً دست‌نخورده باقی مانده بودند و همچون دوره ساسانی از همان آغاز فتوحات مسلمانان، نماینده حکومت بودند و کار عمده‌ی ایشان در قریه‌ها جمع‌آوری خراج و تحویل آنها به بیت‌المال یا عمال عرب بود و در واقع، نماینده‌ی بیت‌المال مسلمان محسوب می‌شدند (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۳۱۳).

درواقع دلیل این امر، این نکته بود که ایرانیان نسبت به مأموران عرب امین‌تر بودند، چنان که عبیدالله بن زیاد ولایت‌دار عراق که می‌دید با تصدی حکام و اعراب مشکلاتی به وجود آمده، تصمیم گرفت که عاملان عرب را به عاملان پارسی تبدیل کند و از آن پس دهقانان و زمین‌داران پارسی مأمور دریافت خراج شدند (ابراهیم حسن، ۱۳۹۵: ۲۵۴).

شاید عمده‌ترین کاری که به ایرانیان واگذار شده بود، همین وصول مالیات بوده است، چنان که گاهی یک نفر ایرانی متصدی جمع‌آوری خراج منطقه‌ای بزرگ می‌شد (انصاف پور، ۱۳۵۶: ۱۳).

نخستین فردی که در دوره‌ی اسلامی به سازمان مالی تقریباً نظم بخشید، عمر بن خطاب بود. او با استفاده از تنظیمات محلی در سرزمین‌های مفتوحه و مقداری تعدیل برای مطابقت دادن سازمان‌های محلی با مبادی اسلام، اقداماتی را در این زمینه انجام داد. در مورد این مطالب که چه عاملی سبب تاسیس دیوان و ایجاد تشکیلاتی برای کنترل دخل و خرج مسلمانان شده است، اختلاف نظر وجود دارد. برخی براین عقیده‌اند که علت تشکیل دیوان، زیاد شدن مال بوده است و دینوری می‌گوید: «در زمان عمر در فتح جلولاء که بعد از فتح قادسیه و مداین اتفاق افتاد، اسیران بسیار با غنایم بی‌شمار نصیب جنگجویان شد و از همان اوایل کار ایجاد یک دستگاه اداری منظم برای تقسیم غنایم و عطایا برای اعراب ضرورت یافت» (دینوری، ۱۳۶۶: ۱۶۳).

واها طبق برخی گزارش‌های دیگر ابوهریره عامل عمر در بحرین، به هنگام بازگشت به مدینه اموال زیادی به مدینه آورده بود و پس از گزارش کار خود، خلیفه را در جریان اموال آورده شده، قرار داد. عمر از کثرت آن تعجب نمود و حتی خیال کرد که شاید این اموال از راه غیرشرعی و ظلم و ستم از مردم گرفته شده است، ولی وقتی ابوهریره قسم یاد کرد که اموال طبق موازین شرعی جمع‌آوری شده است، عمر از حاضران در مسجد، در خصوص مصرف آنها سوال کرد. مردی به خلیفه گفت که ایرانی‌ها برای اموال خود و مصارف آن دفترهایی دارند که دیوان نامیده می‌شود و در آن، اموال، عطایا و مخارج را ضبط می‌کنند. شما هم اگر چنین دفاتر و دیوانی تشکیل دهید می‌توانید این اموال را در آن نگهداری کنید و در موقع خود و در فرصت لازم استفاده نمایید. خلیفه این پیشنهاد را پسندید و به تدوین دیوان امر کرد. این فرد هرزمان، اسیر ایرانی گرویده به سپاه اسلام بود. پس در نتیجه‌ی فراوانی غنایم، عمر چگونگی تشکیل دیوان را از هرزمان پرسید و به این شکل از سال ۲۰ ه.ق. به تشکیل دیوان به سبک ساسانی اقدام شد و از آن زمان البته اداره‌ی کارهای دیوانی به دست ایرانیان افتاد با خط و زبان پهلوی؛ و این موضوع تا زمان عبدالملک بن مروان اموی ادامه داشت (جعفریان، ۱۳۶۸: ۱۸۲). پس نخستین و تنها دیوان رسمی در میان اعراب پس از اسلام در دوره‌ی خلیفه‌ی دوم و در مدینه تاسیس شد که می‌توان وظایف اصلی این دیوان را ثبت درآمدها و مصارف و مخارج بیت‌المال و نیز تعیین سهم رزمندگان از غنایم جنگی و دیگر درآمدها محسوب کرد زیرا همه‌ی مردم در آن دوره سپاهی بودند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۳۰۳). برخی گفته‌اند: عمر در این رابطه با امام علی مشاوره نمود، آن حضرت به او فرمود: اموال را هر سال تقسیم نما و چیزی از آن را نگه ندار. عثمان گفت: اموال زیادی را مشاهده می‌کنم که برای تمامی مردم کافی است. خالد ابن ولید گفت: من در شام دیدم که ملوک آن دیار دفاتری جهت تدوین امور لشکریان خود داشتند. پس از مباحثاتی قرار شد اسم افراد نوشته و ملاک، قرابت به رسول خدا (ص) و سابقه در اسلام شود. تشکیل دیوان در سال ۲۰ هجری به انجام رسید و دفاتر نوشته شد و اسامی مردم به حسب قرابت به رسول خدا (ص) و سابقه در اسلام در دفاتر ثبت شد. این دیوان دارای چند بخش بود:

۱. امور لشکری
۲. حقوق و رسوم و کارها

۳. امور کارگزاران

۴. بیت المال (برخی منابع گفته‌اند این دیوان، دیوان «الجنده» نام داشت و در مورد آن گفته‌اند: «دیوان چند مشتمل بر تمامی اهالی مدینه، یعنی نیروهای شرکت‌کننده در فتوحات و مهاجرانی که به همراه خانواده‌هایشان به پادگان‌های ولایات پیوسته بودند، می‌شد. نام برخی موالی نیز در این دیوان ثبت شده بود ولی این کار دوام نیافت. همراه اسامی افراد، پرداخت‌ها و میزان آن هم ذکر می‌گردید» (رفیعی محمدی، ۱۳۸۴: ۴۴).

بی‌شک، نظام مالیاتی که در تشکیلات خلافت اسلامی در این عهد به وجود آمد، از مقررات و قوانین حاکم بر جوامع سرزمین‌های فتح شده تأثیر پذیرفته بود و «دواوین» پیشین به‌عنوان مرجعی قابل اعتماد مورد استفاده بود. مثلاً الگوی خراج که در نظام مالیاتی اسلامی براساس آن عمل می‌شد، به‌طور کلی (به تصریح مآخذ اسلامی) از سیستم مالیاتی امپراتوری ساسانی پیروی می‌کرد، زیرا این سیستم در ایران سابقه‌ای طولانی داشت و او در گرفتن مالیات به‌جز در برخی از امور دقیقاً شیوهی مالیات‌گیری انوشیروان را رعایت نمود (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۷۰۳).

عمر با تشکیلات منظم دیوانی تمام منطقه‌ی مفتوحه را که از لحاظ سالی و خراجی از زمان انوشیروان به این سو مساحت نشده بود از نو مساحت کرد و نسبت به تغییراتی که در آنها بود تجدیدنظر کرد (الرئیس، ۱۳۷۳: ۱۲۱). او حتی فرمان مساحی کل سرزمین‌های اسلامی را صادر کرد و براساس آن مالیات ثابتی برای آنها تعیین شد (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۳).

به هر حال، عمر بن خطاب با دسته‌بندی اراضی مفتوحه و وضع خراج و مقرر نمودن جزیه بر اهل کتاب، ساختمان تنظیمات مالیه اسلامی را به وجود آورد که بعد از او هم به آن عمل شد. در واقع عمر اولین کسی است که دیوان را در اسلام تشکیل داد و برای افراد مقرری تعیین کرد (جهشپوری، ۱۳۴۸: ۲۳۹).

البته برای مطابقت آن با مبادی اسلام عُمر تعدیلاتی انجام داد. او با استفاده از تنظیمات محلی و ملاحظات دیگر به تقسیم و دسته‌بندی اراضی جدید پرداخت و بر پاره‌ای از اراضی خراج تعیین کرد. در دوره‌ی او اموال غیرمنقول مردم ایران غالباً به خود آنها واگذار و از آنها خراج گرفته می‌شد. شاید دلیل این واگذاری اولاً: این باشد که اعراب نمی‌خواستند با تملک اراضی مفتوحه، قدرت ضربتی سپاه اسلام را که همه‌چیز بدان بستگی داشت تضعیف کنند و ثانیاً: واگذاری این اراضی به اهالی بومی و دریافت مالیات از آنها از لحاظ اقتصادی مفیدتر بود (اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۲: ۵۳).

خلاصه‌ی این اوضاع تازه در فتوحات جدید چنین است که یکی از این تغییرات، تقسیم اراضی مفتوحه بین فاتحان بود که چون با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شد، عمر به پیشنهاد و همفکری حضرت علی (ع) دستور داد تا از تقسیم اراضی صرف نظر شود و زمین‌ها همچنان در اختیار صاحبان آنها باقی بماند و از آنها خراج سالانه دریافت شود. به عبارت دیگر، دیوان خراج و مالیات‌ها بر همان وضعی باقی ماند که پیش از اسلام بود. عمر برای خراج آنها همان نهادهایی را پذیرفت که خسرو انوشیروان بنا نهاده بود. بر این اساس، نخستین اقدام سعدبن ابی‌وقاص، فاتح قادسیه نیز

واگذاری مسئولیت گردآوری خراج منطقه سواد به دهقانان آن منطقه بود. دهقانان در عهد ساسانی مسوولیت گردآوری خراج نواحی مختلف ایران را بر عهده داشتند، اما این بار به جای دولت ساسانی، از سوی دولت اسلامی متعهد به جمع‌آوری خراج شدند. به این‌سان، بی‌آنکه در اساس به نظام مالی و دیوانی دوره ساسانی خللی وارد آید به دولت نوپای اسلام انتقال یافت. اثر آنی و فوری این اقدام، حفظ وضع موجود و جلوگیری از آشفتگی در فرآیند گردآوری خراج و کاهش عایدات بود. شاهد این مدعا اینکه در همان سال نخست که عمر سواد را به تصرف در آورد، مبلغ خراجی که از آنجا دریافت کرد با آنچه پیش از آن به وسیله پادشاهان ایران وصول می‌شد، چندان تفاوتی نداشت. پس از آن عمر هیات‌هایی را برای تحقیق در مورد مساحت و تعداد مزارع و املاک به منطقه سواد فرستاد (حاتمی‌منش، ۱۳۸۷: ۱۳). به عقیده‌ی برخی، نکته‌ی جالب این است که عمر نه‌تنها در مورد مالیات ارضی بلکه در مورد جزیه که حکم کلی آن در قرآن آمده است نیز از مقررات انوشیروان پیروی می‌کرد (سپهری، ۱۳۹۰: ۷۱).

البته به‌نظر نگارنده، آنچه عمر پس از فتح عراق بدان عمل کرد یعنی اینکه هم از تقسیم زمین‌های کشاورزی آنجا صرف‌نظر کرد و هم از نظام مالی و دیوانی آنجا پیروی کرد چیزی بود که به حکم ضرورت و به مصلحت دولت نویناد می‌بایستی به همان‌گونه عمل می‌شد زیرا خود اعراب نه از کشاورزی سررشته‌ای داشتند و نه از اداره‌ی امور دیوانی و به‌خصوص از دستگاه پیچیده‌ی مالی آن چیزی می‌دانستند.

از دیگر اموری که از دوران ساسانی به دوران اسلامی انتقال یافت و در دولت خلفا تا چندین قرن همچنان دست نخورده باقی ماند، تقسیمات کشوری مناطقی بود که نهادهای مالیاتی آن نقاط بر پایه همان تقسیمات وضع شده بود. تقسیم سرزمین عراق به دوازده استان و شصت «طسوج»، از جمله آن تقسیمات بود.

گاهشمار ایرانی نیز که گردآوری خراج براساس آن صورت می‌گرفت، همچنان دست نخورده به عصر اسلامی انتقال یافت، زیرا ملاک عمل در دیوان خراج همان گاهشماری بود و جایگزینی هم نداشت، زیرا گاهشماری عربی قمری بود و در دیوان خراج که مهم‌ترین منابع مالی آن مالیات‌های کشاورزی و گردش کار در آن بر اساس سال شمسی بود، کاربردی نداشت. به همین سبب، گاهشماری ایرانی در جهان اسلام به‌عنوان سال خراجی شناخته شد و گذشته از خراج در زمینه‌های دیگر، مانند نجوم و ریاضیات و امور دیگری که با سال قمری ارتباط نداشت، کاربرد گسترده‌تری یافت. همراه با گاهشماری، بسیاری از سنت‌های ایرانی مرتبط با آن نیز در دولت اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. مهم‌تر از همه عید نوروز بود که در ایران، آغاز سال مالی شناخته می‌شد و در دولت خلفا هم موسم افتتاح سال خراجی بود. همچنین دیگر جشن‌های ایرانی مانند مهرگان و سده و بهمن‌جبه و مانند اینها به دوران اسلامی راه یافت. با این حال، عمر پس از مدتی تصمیم گرفت تقویم جدیدی ابداع و بر اساس آن، نامه‌هایی را که برای افراد ارسال می‌شد، تاریخ‌گذاری نماید. علتش نیز آن بود که ابوموسی به وی نامه‌ای نوشت و یادآور شد که نامه‌هایی که عمر می‌فرستد

تاریخ ندارد. عمر نیز برای حل این مساله، جلسه‌ای ترتیب داد تا تقویمی را تدوین کنند. او در این جلسه، پیشنهاد شروع تاریخ را از تولد پیامبر(ص) سپس مبعث ایشان ارائه داد، ولی در نهایت به پیشنهاد حضرت علی(ع) مبدا تاریخ، هجرت پیامبر تعیین شد. البته این تغییر تقویم که صرفاً به منظور تاریخ‌گذاری نامه‌ها به وجود آمد باعث از بین رفتن تقویم شمسی که برای محاسبه سال خراجی بود، نشد(حاتمی‌منش، ۱۳: ۱۳۸۷).

### خراج و نظام پولی در زمان عمر

گفتیم که عمر در زمینه‌ی جمع‌آوری مالیات‌ها دفاتری به وجود آورد و اولین دیوانی که در زمان عمر تشکیل شد دیوان خراج بود زیرا او خراج کشور فتح‌شده‌ی ایران را میان مسلمانان تقسیم می‌کرد و اسامی گیرندگان خراج را در دیوانی موسوم به این نام ثبت نمود(دینوری، ۱۳۶۶: ۱۷۳).

در مجموع همان‌گونه که انوشیروان از هفت گونه محصول خراج می‌گرفت، از جمله نخل و مو، در دوره‌ی اسلامی نیز از این دو محصول خراج می‌گرفتند و نیز همانند انوشیروان که در مالیات‌گیری زمین طبق جریب و اندازه‌گیری اراضی و آمارگیری از درختان میوه و خرما عمل می‌کرد، در دوره‌ی اسلامی نیز از این شیوه‌ها استفاده شد، ولی به زعم عده‌ای از مورخان، در نرخ خراج و جزیه افزایش داده شده و اولین کس عمر بن خطاب بود که این افزایش را انجام داد(جهشیاری، ۱۳۴۸: ۳۲).

درباره‌ی میزان خراج در دوره‌ی عمر بن خطاب و در سرزمین عراق گفته شده که او از هر جریب گندم‌زار، چهار درهم، و جوزار دو درهم، و از نخل، هشت درهم، تاک شش درهم می‌گرفته است(مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۸۵). درحالی‌که در دوره‌ی انوشیروان از هر جریب گندم‌زار یک درهم، و جوزار نیز یک درهم، و از هر چهار اصله نخل اصیل یک درهم برای نخل‌های پست‌تر از هر شش نخل یک درهم اخذ می‌شده است(دنت، ۱۳۴۵: ۵۶).

و نیز نخستین کسی که عشور را وضع کرد عمر بود. از جمله صدقاتی که بر مسلمانان واجب است صدقات عشر است که عبارت است از محصول زراعت و اراضی متعلق به مسلمانان. بعد از فتوحات مسلمانان در عراق، شام و دیگر مناطق، زمین‌هایی به علت کوچ ساکنانش یا علل دیگر به تصرف فاتحین درمی‌آمد که عمر آنها را صوافی می‌خواند چراکه آنها را به‌طور صاف و خالص مختص بیت‌المال می‌دانست(الریس، ۱۳۷۳: ۱۴۵).

این‌گونه به نظر می‌رسد که، مسلمانان تا قبل از فتح ایران خراج را نمی‌شناختند و اراضی زراعی به مفهوم و معنای معمول هم نداشته‌اند تا در این فکر باشند که از خراج به‌عنوان یک منبع درآمد بهره‌برداری نمایند و پس از فتح عراق اراضی مزروعی زیادی که یکی از منابع درآمدی دولت‌های موجود در ایران از زمان ساسانیان بود به دست اعراب افتاد و از این زمان به بعد است که مسلمانان از یک روش مالیاتی جدید یعنی نظام مالیات بر اراضی به‌عنوان خراج مطلع شدند.



از زمان عمر تغییرات محدودی در شکل مسکوکات ایجاد شد. این تغییرات به این صورت بود که بعضی از خلفا، عباراتی عربی، اسلامی را به حاشیه‌ی سکه‌های امپراتوری روم و شاهنشاهی ساسانی می‌افزودند که در نزد علمای سکه‌شناسی به سکه‌های عرب، ساسانی و عرب، رومی شهرت یافته‌اند. مورخان نیز سکه‌های ضرب شده در صدر اسلام که منقوش به نقوش ساسانی و رومی بودند و به شکل سکه‌های ساسانی و رومی ضرب می‌شدند را به‌عنوان درهم‌های کسروی و دینارهای قیصری می‌شناختند (حسینی‌مازندرانی، ۱۳۸۲: ۴۲).

در این دوره سکه‌های فلز ضرب شد که منطبق با سکه‌های رومی بود و نام خلیفه بر آنها نقش شده بود (فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۷).

سکه‌های عرب ساسانی اصطلاحی است که در ارتباط با سکه‌های مسی و نقره‌ای ضرب شده در زمان آغاز اسلامی است. این سکه‌ها مربوط به دوره‌ی حکام مسلمان خلفای اموی هستند که در مناطق تحت نفوذ ساسانیان حکمرانی می‌کردند. بیشتر سکه‌های عرب ساسانی از جنس نقره هستند. بر روی این سکه‌ها، به‌طور معمول، تصویری از شاه ساسانی و نوشته‌ی اندرزی همراه است. در سمت راست تصویر نام حاکم به خط پهلوی نوشته شده و در پشت سکه‌ها، آتشدان زرتشتی به همراه نگهبان آتش، در کنار آتشدان حک شده است. در تمامی این مشخصه‌ها، سکه‌های عرب ساسانی با درهم‌های نقره‌ای و مسی ساسانی همانند هستند، تفاوت بارز این دو، اضافه شدن نوشته‌های عربی است (گیزلن، ۱۳۸۱: ۷).

درواقع قدیمی‌ترین دینار شناخته‌شده‌ای که به مسلمانان نسبت داده می‌شود دیناری است که خالدبن ولید در سال ۱۵ هجری در شام ضرب کرد. این سکه مانند دینارهای رومی یک طرف آن دارای صلیب، تاج و چوگان بود و در طرف دیگر، به حروف یونانی کلمه‌ی خالد نقش شده است. یکی از عوامل عزل خالد را ضرب همین سکه‌ها می‌دانند (پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۵۷).

وقتی مسلمانان تصمیم گرفتند که سکه ضرب کنند، سکه‌های ایران تحت‌تاثیر موضوعات دین جدید قرار گرفت و سکه‌های عرب ساسانی پدید آمدند که به همان سبک سکه‌های ساسانی و با تغییراتی در نوشته‌ها و گاهی در تصاویر بودند. یعنی ترکیبی از طرح‌ها و نقش‌های ایرانی و عربی (قاسمیگلو، ۱۳۸۵: ۵۰).

در این سکه‌ها، مسلمانان بدون اینکه تصاویر پادشاهان ساسانی و محل و تاریخ ضرب آنها را بردارند نام خود و کلمات شهادتین را می‌افزودند (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲). این درهم‌های عرب ساسانی در زمان خلفای راشدین و اوایل دولت اموی یعنی تا زمان حکومت عبدالملک بن مروان کاربرد داشتند (همان: ۱۶).

مسلمانان علاوه بر درهم‌های عرب ساسانی با دینارهای رومی نیز همان کار را کردند و دیناری شکل گرفت به نام عرب بیزانسی. این سکه‌ها نیز پس از فتح سوریه و فلسطین و در زمان عمر ضرب شده‌اند با ترکیبی از نقش اصلی سکه‌های امپراتوری بیزانس و نوشته‌های اسلامی به خط کوفی که معمولاً بدون نام و تاریخ بودند (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۱۲۷). بر روی سکه‌های بیزانسی نقش مسیح یا

مقدسان مسیحی ضرب شده بود (همان: ۱۰). در واقع در سال ۱۸ هجری قمری یعنی اواسط حکومت عمر به فرمان او سکه ضرب شد.

### عثمان

عثمان منش اقتصادی یا نظام مالی شگرفی نداشت و به گواهی تاریخ در بذل و بخشش به خویشان خود دستی گشاده داشت و کارهای او به تدریج موجب به وجود آمدن قشری ثروتمند و مرفه در جامعه‌ی مسلمین گردید اختلاف طبقاتی را موجب شد. او معتقد بود که مال، مال خداست و خود را ولی مسلمین می‌شمرد لذا بیت‌المال را در هر جا که می‌خواست صرف می‌کرد. عثمان اموالی که به بیت‌المال می‌رسید را به مدت یک سال نگه می‌داشت و سپس به توزیع آن مبادرت می‌کرد. این اموال در زمان پیامبر بی‌درنگ بین مردم تقسیم می‌شد و سنت نگهداری یک‌ساله‌ی اموال از زمان عمر شکل گرفت اما در زمان عثمان این اموال که غالباً به صورت درهم و دینار بود یک‌باره پخش کردن آن میان افراد خاص جامعه باعث افزایش قیمت‌ها می‌شد و این افزایش باعث فقر بیشتر فقرا می‌شد (میرمعزی، ۱۳۸۰: ۴۳).

همانطور که گفته شد با فتح ایران در زمان عمر و دست یافتن به مراکز دیوانی ساسانیان، الگوهای درست حکومت بر سرزمین‌های اسلامی به دست اعراب رسید و مهاجرت ایرانیان به دلیل مسلمان شدن یا دلایل دیگر کمک‌های بسیاری به اعراب کرد و در تحولات دیوانی اعراب بسیار فعال بودند اما در زمان عثمان تحولات دیوانی به دلیل اینکه دیوان‌های ساخته شده در دوره‌ی عمر، کفایت امورات و نیازهای مالی حکومتی را می‌کرد تقریباً متوقف شد اما شاید دلیل اصلی این توقف، گرایش مجدد به ساختار قبیله‌ای بود؛ چراکه انتخاب ماموران و حاکمان از میان اشراف قریش و روسای قبایل صورت می‌گرفت (جهشیاری، ۱۳۶۸: ۴۹).

بخشش‌های عثمان فاصله‌ی فقیر و غنی را افزایش داده بود به شکلی که خمس غنایم و مالیات و جزیه‌ای که از سرزمین‌های فتح‌شده گرفته می‌شد و طبق سنت پیامبر به همه‌ی مردم تعلق داشت، به عده‌ای خاص داده می‌شد. عثمان یک‌پنجم غنایم آفریقا را که حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار دینار بود به مروان بخشید و به ابوسفیان هدایای ۲۰۰ هزار درهمی می‌داد و پس از مرگ عبدالرحمان بن عوف که برادرخوانده و داماد او بود یک‌هشتم ثروتش میان چهار همسر او تقسیم شد که به هر کدام ۸۰ هزار دینار تعلق گرفت (بهدادی‌مهر، ۱۳۸۹: ۱۲۶). سیاست اقطاعی او نیز زمین‌های سواد، بصره و مناطق حاصلخیز بسیاری را به تیول واگذار می‌کرد (همان: ۱۲۹).

درهم‌های عثمان نیز به سبک درهم‌های دوره‌ی عمر بود با نقش الله‌اکبر که توسط حاکمان و امرا زده می‌شد (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲) اما در زمان عمر و عثمان، بعد از فتح ایران و روم سکه‌های فراوان درهم و دینار از آن سرزمین‌ها وارد مرکز حکومت اسلامی شد و مردم در دادوستد از ضرب سکه‌های جدید بی‌نیاز بودند و گویا آن دو خلیفه انگیزه‌ی خاصی برای ضرب سکه نداشتند و با توجه به ضرابخانه‌های فتح‌شده در ایران و روم از نظر اقتصادی به چنین امری چندان نیازی احساس نمی‌شد؛ بنابراین در این دو زمان، حجم سکه‌های جدید ضرب‌شده بسیار ناچیز

بود (یوسفی، ۱۳۷۹: ۳۶). متأسفانه منابع دوره‌ی اسلامی در زمینه‌ی مقدار و میزان مالیات‌های دوره‌ی خلیفه‌ی سوم یعنی عثمان بن عفان ما را یاری نمی‌کنند. کارهای او اگرچه به‌ظاهر همه را راضی می‌کرد اما عواقب نامطلوب اقتصادی را در پی داشت که یکی از آنها ایجاد مالکیت‌های بزرگ بود (یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۲).

### امام علی (ع)

تغییر مرکز خلافت از مدینه به کوفه و صدور فرمان از آن شهر به سایر نقاط از بزرگترین تحولات اداری دوران خلافت حضرت علی (ع) بود (دینوری، ۱۳۶۶: ۲۵۷). علی (ع) درباره اثرات مالیات در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی خطاب به مالک اشتر فرماندار مصر در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «امور مردم جز با سپاهیان، استوار نگردد و پایداری جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند. به‌درستی که خداوند سبحان، در اموال اغنیا، روزی فقرا را مقرر فرمود و گرسنه‌ای نمی‌ماند مگر به‌خاطر منع ثروتمندان و خداوند در این مسئله از اغنیا پرسش خواهد نمود» و در ادامه فرمان می‌دهد که خراج دیار مصر را جمع کند، با دشمنان نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرها را آباد کند (خزائی و یزدان‌پور، ۱۳۹۴: ۹۱).

در زمان خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سیره‌ی پیامبر اکرم در مساوی دانستن مردم در برخورداری از اموال عمومی و نیز تقسیم فوری این اموال احیا شد. ایشان مکان بیت‌المال را پس از تقسیم اموال جاروب می‌کرد و در آن نماز می‌خواند (دانشنامه جهان اسلام، بیت‌المال). علی (ع) نظام مالی حکومت خود را براساس عدالت بنا نهاده بود و در تقسیم اموال، عرب را بر عجم و قریش را بر غیرقریش ترجیح نمی‌داد. در زمان او، با برقراری حکومت مستقل توسط معاویه، شامات از دست امام خارج شد و ایشان بر مصر، سواد، ایران و جزیره‌العرب حاکمیت داشت و در نتیجه درآمدهای مالی کاهش یافت. همچنین بخش‌های شرقی ایران یعنی خراسان و سیستان نیز دست به شورش زدند و جزیه و خراج این مناطق نیز قطع شد (بهدادی‌مهر، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

درآمد مالی حکومت امام نیز مانند خلفای قبلی شامل غنایم، جزیه، خراج، زکات و عشور می‌شد. به‌طورکلی همان‌طور که گذشت، حکومت ایشان بر مبنای تحقق عدالت بود و اصلاحات اقتصادی و مالی او برای تحقق این هدف صورت می‌گرفت لکن با درآمد کمتر.

امام علی قراردادهای خراج و جزیه‌ی حکومت عمر را محترم شمرد و در آن اصلاحی انجام نداد اما سیاست‌های اقطاعی عثمان را لغو کرد و مزارع، املاک و باغ‌های این‌چنینی را به نفع بیت‌المال مصادره کرد و در مجموع حدود ۳۰۰ میلیون درهم درآمد از طریق خراج داشت. در مورد تقسیم اموال سیاست ایشان بر مبنای تقسیم مساوی بیت‌المال بود و رعایت اصول تساوی افراد در حقوق و مزایای اجتماعی، اصلی بود که هیچ‌گاه حاضر به معامله یا تغییر در آن نمی‌شد و با پیروی از سنت نبوی این اقدامات را پیش می‌برد (همان: ۱۲۹-۱۳۱).

از حضرت علی(ع) نقل است که جزیه بر کسانی از اهل ذمه واجب است که آزاد، مرد و بالغ باشند و بر کودکان آنها واجب نیست (بروجردی، ۱۴۰۷، ج ۱۳: ۲۱۸).

در دوره‌ی امام علی(ع) درهم‌هایی به همان سبک و مضامین قبلی وجود داشت (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۳) و در سال چهلیم هجری، هم سکه‌هایی ضرب شد که تمام آثار غیراسلامی از آن محو شده بود، و بر یک طرف آن به خط کوفی عبارت الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و در اطراف آن عبارت محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون، حک شده بود ولی پس از حکومت آن حضرت، ضرب سکه‌های اسلامی متوقف شد و از رواج افتاد و نتوانست جایگزین سکه‌های قبلی شود (فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۷). در دوران خلفای راشدین در برخی دارالضرب‌های ایران مانند اصطخر، نیشابور، بصره، داربگرد، ری، شوش، سیرجان، مرو، نهاوند، هرات و همدان، به نام ایشان سکه ضرب می‌شد (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲). به‌طورکُل اینگونه به نظر می‌آید که امام علی(ع) نیز قوانین مالیاتی ساسانیان را رعایت کرده بود و برای جلوگیری از اجحاف کارگزاران و بی‌نظمی در امر خراج، دستور صریح مبنی بر عدم تغییر و تبدیل در نرخ‌های مالیاتی صادر شده بود.

در مجموع باید گفت از درآمد‌های دوره‌ی خلفای راشدین علاوه بر مالیات اراضی که تحت عنوان خراج گرفته می‌شد، مالیات سرانه یا جزیه نیز وجود داشت که از افراد غیرمسلمان گرفته می‌شد و این هر دو که عمده‌ی آن از ایران گرفته می‌شد یکی از عوامل قدرت این خلفا بود. علاوه بر این غنایم جنگی که در طی فتوحات از کاخ‌های ایران به دست می‌آمد و نیز خمس و زکاتی که از مسلمانان ثروتمند گرفته می‌شد و به فقرا داده می‌شد نیز از دیگر منابع درآمدی خلفای چهارگانه بود. در مورد ایران البته باید گفت که در بعد از ورود اعراب تنها نظم سیاسی حاکم بر آن از بین رفت و نظام اقتصادی و عمال آن کماکان بر جایگاه سابق خود باقی ماندند.

#### معاویه

با استقرار نظام اموی توسط معاویه حکومت اسلامی که پیشتر جنبه‌ی دینی داشت به تدریج به حکومت سلطنتی تبدیل شد و معاویه برای نخستین بار به تقلید از پادشاهان، بساط پادشاهی گسترده و اعلام کرد که من نخستین پادشاه عربیم (دنت، ۱۳۵۷: ۶۵) و مالیاتی را که مورد تصویب اسلام نبود و قبلاً ایرانی‌ها به نام هدایای نوروزی و مهرگان به سلاطین خود می‌پرداختند، دوباره برقرار کرد (جهش‌یاری، ۱۳۴۸: ۵۳). او به تقلید از نظام دیوانی ایران و روم، تغییرات عمده‌ای در نظام اداری دولت اسلامی ایجاد کرد و دیوان‌های چندی متناسب با اهداف خود پدید آورد علاوه بر این، معاویه به تقویت نیروی دریایی نیز علاقه مند بود (سیستانی، ۱۳۴۶: ۱۱).

او که خود از راه اقطاعی که از عثمان گرفته بود املاک زیادی کسب و آنرا به صورت ثروت خانوادگی برای خاندان خود به ارث نهاد در زمان حیات خود به عنوان خلیفه نیز اقطاعات زیادی به بنی‌امیه واگذار کرد که تمام آنها به صورت املاک شخصی و خانوادگی به وراثت آنها منتقل شد (یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۴۵).

اقطاع که از سنن و نظام مالی ساسانی بود در دوره ی عربان به این شکل درآمده بود که فرمانروایان تازی گاهی هم دست یا زیر دست خود را می فرستادند و ناحیه ای را به ایشان به مقاطعه می دادند که در سال مبلغ معینی زر و سیم و کالا برای ایشان به دمشق بفرستند و ناچار ایشان را آزاد می گذاشتند که هر چه می خواهند انجام دهند و تنها منتظر بودند اموالی را که برعهده ی ایشان گذاشته شده بود، روانه کنند. قهرا فرمانروایان، چند برابر آن چه را برعهده داشتند از مردم می گرفتند و سهم خلیفه را می دادند و بازمانده را خود برمی داشتند (نفیسی، ۱۳۴۲: ۱۲۵).

در دوره ی او انواع بدعت ها و انحرافات که دیگر خلفای امویه از آن پیروی کردند، پایه ریزی شد و کم کم دیوان های عریض و طویلی برای ثروت های بی کرانی که به دست می آمد دایر گشت. به طور مثال یکی از دیوان ها مربوط به مستغلاتی بود که زمین آن متعلق به دولت بوده و مردم در آن عمارتی هم چون بازار، خانه و آسیاب ساخته بودند و دولت در قبال آن از مردم کرایه می گرفت (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۴۷). کار این دیوان علاوه بر رسیدگی به امور مستغلات، عقد قرار دادهای اجاره و استیفای حقوق دولت بوده است. طبری ضمن برشمردن کاتبان اموی از نضیع بن ذویب، غلام ولید بن عبد الملک، در سمت دبیر مستغلات ولید نام می برد (طبری، ۱۳۶۲: ۱۸۱). به طور کلی دیوان خراج و مالیات پس از اسلام در ایران بر همان وضعی باقی مانده بود که پیش از اسلام بود (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۴۶۵).

یکی از خصوصیات دستگاه مالی امویان این بود که خزانه ی دولت، جزء دارایی مردم محسوب نمی شد و در واقع، خاص خلیفه و زیر نظر مستقیم او بود و او با دستی باز، از آن بذل و بخشش می کرد. (امیرعلی، ۱۳۵۹: ۱۹۲)

معاویه پس از آن که آرامش را در قلمرو خود برقرار کرد، به دستگاه مالی توجه خاصی نشان داد و در صدد تقویت بنیه ی مالی خود برآمد و به پیروی از سلاطین گذشته در راه افزایش در آمد، گام برداشت و برخلاف روش پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین، همت خود را صرف امور دنیوی نمود (زیدان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۶۹۳) او توسط عامل خود در عراق با خشک کردن باتلاق های بین بصره و کوفه و نیز تصاحب تمام خالصه های ساسانیان برای خود و تصویب مالیات هایی که در اسلام نبود ثروت بسیاری را تصاحب کرد (سامانی، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

در مورد اراضی خراجی گرچه در اوایل حکومت اعراب بر ایران همان مقدار خراج دریافت میشد ولی به تدریج، میزان خراج افزایش پیدا کرد و به روزگار امویان، ظاهرا علاوه بر آن که مالیات های جدیدی وضع شد، بر میزان مالیات های موسوم از جمله خراج، افزوده شد، زیرا امویان از همان آغازین سال های حکومتشان، سیاست افزایش مالیات را در پیش گرفتند و با عدم رعایت اصول گذشته که خلفای راشدین در پیش گرفته بودند بر میزان مالیات ها افزودند (ابراهیم حسن، ۱۳۹۵: ۲۲۳)

این که خراج را بر مبنای چه سالی اخذ کرده اند، اتفاق نظر وجود ندارد. ماوردی نوشته است که اگر خراج بر مساحت زمین وضع شود به سنه هلالی (قمری) اخذ می شود و اگر خراج بر اساس

مقاسمه گرفته شود در این صورت گرفتن آن به هنگام رسیدن زراعت و جمع‌آوری آن می‌باشد. آن چه تقریباً مسلم به نظر می‌رسد این است که در نظام خلافت اسلامی از آغاز وضع خراج، خراج را براساس سال هجری قمری می‌گرفتند که چون ثابت نبود بنابراین گاهی مأموران وصول مالیات، بسیار زودتر از آن که محصول به دست آید به سراغ کشاورزان می‌رفتند، همین‌طور هرگاه مشکلاتی برای خراج‌گزاران ایجاد می‌شد بارها تلاش می‌کردند تا خراج را براساس شمسی بگیرند که این کار در سال ۲۸۱ق انجام شد (انصاف‌پور، ۱۳۵۶: ۴۳).

### مروانیان

همان‌طور که شرح داده شد، اعراب به‌طور کلی تا مدت‌ها از سکه‌هایی استفاده می‌کردند که به عرب، ساسانی موسوم بودند و تقریباً همان طرح و شکل‌های ساسانی بود که با یک یا دو عبارت عربی همراه بود و زمان عبدالملک بن مروان حداقل نام ۳۲ تن از حکامی که بر بخش‌های مختلف ممالک اسلامی مثل عراق، خوزستان، فارس، جبال، آذربایجان، اران، کرمان، سیستان و خراسان حکومت می‌کرده‌اند، سکه‌های عرب، ساسانی به‌خط پهلوی و گاه به‌خط کوفی کشف شده است (شمس‌اشراق، ۱۳۶۹: ۳۸). ضرب سکه‌های عرب، ساسانی از سال ۵۳۱ق ادامه پیدا کرد و تا سال ۷۷۰ق ادامه یافت (همان: ۷۷).

سکه‌های اصلاح‌شده‌ی عبدالملک بن مروان، پنجمین خلیفه‌ی اموی را سکه‌های اسلامی می‌نامند که به جای تصاویر انسان و نشانه‌های مذهبی غیر، نوشته‌های عربی با متون مذهبی اسلامی مثل سوره‌ی توحید به خط کوفی در متن سکه و در حاشیه‌ی آن سوره‌ی توبه ضرب می‌شد. این سکه‌ها بدون نام خلیفه بودند و تنها از روی تاریخ ضرب، به زمان آنها می‌توان پی برد (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۱۵). ضرب سکه اسلامی مستقل در زمان عبدالملک بن مروان انجام شد و به صورت گسترده انتشار یافت. براساس روایات تاریخی ذکر شده و روایات مشابیه دیگر استنباط می‌گردد که عبدالملک مروان برای اولین بار به ضرب دینار رومی اقدام کرد. این دینار در دمشق ضرب می‌شد و به دمشقیه معروف شد (فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۹).

به فرمان عبدالملک، معامله با سکه‌های رومی و ایرانی منع شد و ضرب سکه‌های اسلامی جانشین آنها شد و در نتیجه قلمرو اسلامی دارای یک سیستم پولی مستقل شد که کیفیت و کمیت ضرب سکه‌ها را حکومت مرکزی معین می‌کرد (پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۵۵). سکه‌ی اسلامی به لحاظ حفظ ارزش و جلوگیری از غش یا نقص پس از عیارسنجی ضرب می‌شد (سامر، ۱۳۹۱: ۲۰۳).

ایرانیان سه نوع درهم در وزن‌های بیست، دوازده و ده قیراطی داشتند که جمع این سه چهل و دو قیراط بود و زمانی که عبدالملک وزن و معیار پول‌های اسلامی را معین کرد، سکه‌های درهم را به وزن چهارده قیراط ضرب کردند که یک‌سوم از مجموع این سه درهم بود (بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۴۸).

در دوره‌ی اموی دینارهایی با اسامی متفاوت، برحسب مکانی که در آنجا ضرب شده بودند و یا افرادی که آنرا ضرب کرده‌اند، نامگذاری می‌شوند مثل دینار دمشقی: دینارهایی که در ایام عبدالملک بن مروان در سال ۷۴ ه.ق در دمشق ضرب می‌شد (حسینی مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

درهم نیز با وزن‌های مختلف در جریان فعالیت‌های اقتصادی ممالک اسلامی بود و گویا برای ادای فرائض شرعی از قبیل، زکات، نکاح، دیات و مانند آن‌ها و پرداخت جزیه و خراج، از زمان عمر تعیین شد و عبدالملک بن مروان نیز به‌هنگام اصلاح نظام پولی با تامل در امور امت اسلامی، همان مقداری را تعیین کرد که در دوره‌ی عمر متداول بود (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۵۰۱).

عبدالملک، اصلاح درهم را به حجاج بن یوسف ثقفی، والی خود، در عراق واگذار کرد و برای این کار، طرح و نقشه‌ی سکه‌ها را برای او فرستاد و به حجاج فرمان داد درهم‌هایی به وزن ۱۵ قیراط از نوع قیراط دینار ضرب کرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۴۹). هر ده درهم نقره‌ی اسلامی برابر با هفت مثقال طلا بود (همان: ۶۴۸).

طرح و نقش درهم‌های عبدالملک به این شکل بود که در یک طرف آنها مانند دینارها «لااله الا الله وحده لا شریک له» به همراه مکان ضرب سکه و در سمت دیگر آن سوره‌ی توحید و آیه‌ی بیستم سوره‌ی یوسف حک می‌شد (فهمی محمد، بی تا: ۳۳۰).

سکه‌شناسان اصلاح درهم توسط عبدالملک بن مروان را به سال ۷۹ هجری می‌دانند (فهمی محمد، بی تا: ۵۱).

همان‌طور که گذشت، حجاج بن یوسف که از والیان اموی بود خود اقدام به ضرب سکه نمود. روایت است که حجاج بر آن شد که بداند پارسیان در ضرب درهم چه کار می‌کردند پس خود دارالضربی درست کرد و سکه‌زنان را در آن گرد آورد و به نام مرکز خلافت از مالی که در خزانه داشت سکه ضرب می‌کرد.

سکه‌هایی که حجاج در عراق ضرب کرد درهم‌های مکروهه نام گرفت چراکه او سوره‌ی توحید را بر روی سکه‌ها نوشت و فقها آن را مکروه دانستند و به همین دلیل مکروهه نامیده شد. این سکه‌ها نیز همانند سکه‌های هیبری (منتسب به ابن هیبره) خالدی از معتبرترین سکه‌های این عصر هستند (فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۹).

بهترین رخداد در زمان امویان در ضرب سکه این بود که به دستور عبدالملک، حجاج بن یوسف ثقفی راهی در پیش گرفت تا از هر گونه غش و تقلب در سکه جلوگیری شود. این جنبش و تحولی در ضرب سکه است و زمانی که شهر واسط تاسیس شد در آن ضرابخانه‌ای بنا کردند که در آن به ضرب سکه پرداختند و نوعی یکسان‌سازی و یکدست شدن سکه‌ها انجام شد.

اقدامات عبدالملک مروان در مورد ضرب سکه شامل: ضرب سکه‌ی مستقل اسلامی همزمان جنبش تعریب، انتشار سکه‌های ضرب شده در سطح وسیع، برخورد جدی با متقلبان سکه، تاسیس ضرابخانه در شهرها، دریافت مالیات ضرب سکه و نوشتن آیات قرآنی و اسم رسول خدا بر روی سکه‌ها بود (فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

در زمان ولید بن عبدالملک و سلیمان بن عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز ضرب سکه به همان شیوه بود. در دوره‌ی ولید بن یزید، یوسف بن عمر وقتی که بعد از خالد والی عراق شد اقدام به ضرب سکه کرد و در کارش بسیار سختگیری کرد. سکه‌های ضرب شده توسط او سکه‌های یوسفی نامیده می‌شود. (فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

والی یزید بن عبدالملک در عراق شخصی بنام عمر بن هبیره بود. ابن هبیره در زمان ولایت خود در عراق بهترین و خالص‌ترین سکه‌های اموی را ضرب نمود و درهم‌های نیکویی ضرب کرد و در ضرب این درهم‌ها تلاش فراوانی نمود. وزن سکه‌ها شش دانگ بود. سکه‌های ضرب شده توسط ابن هبیره، به هبیری معروف می‌باشد (فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

سلیمان بن عبدالملک در شقاوت نسبت به مالیات‌دهندگان خودداری و کوتاهی نمی‌کرد و شگفت آن‌که جانشین او عمر بن عبدالعزیز بود که همه‌ی امویان را مجبور به بازگرداندن حقوق ناحق خود کرد و ابتدا نیز از خود شروع کرد و تمامی املاک موروثی خود و جواهرات همسرش را به بیت‌المال برگرداند (یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۶۹).

اقدامات او البته کاهش درآمد دولت را در پی داشت اما او با حذف هزینه‌های اضافی آن را متعادل کرد. او در پی مداراهای خود کسری عیار پول‌ها را نیز بخشید چراکه درهم و دینار مورد استعمال آن دوره عیارهای مختلفی داشت و برخی از مردم مالیات خود را با سکه‌های کم‌عیارتر می‌دادند که در زمان مروان و اصلاحات پولی او این اختلاف عیار مسکوکات حل شد اما حجاج بن یوسف کسری‌های قبل را مطالبه کرده بود (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۴۳).

هشام بن عبدالملک نیز که خالد بن عبدالله قسری را والی عراق کرد، دستور هفت دانگ کردن وزن درهم‌ها را داد و ضربخانه‌های همه‌ی شهرها جز ضربخانه‌ی هر واسط را برچید و درهم تنها در این شهر ضرب شد. خالد در کارش دقت و توجه بسیار زیادی داشت که دقتش از ابن هبیره هم بیشتر بود. او در سال ۱۰۶ قمری وزن درهم‌ها را در هفت دانگ تثبیت کرد. سکه‌های ضرب شده توسط او، خالدی نامیده می‌شود (فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۸) و بعد از آن‌که یوسف بن عمر ثقفی به جای او نشست دوباره وزن درهم به شش دانگ تغییر کرد و تنها در شهر واسط ضرب می‌شد تا بعد از حکومت ولید بن یزید (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱۵۵).

البته به‌طور کلی پول‌های فلزی به ویژه، طلا و نقره دوام بسیار داشته و بالقوه کالا بوده و در صورت تبدیل به شمش، دارای ارزش ذاتی هستند و اعراب رغبت بیشتری به این نوع پول داشتند.

### پیشینه موضوع و نوآوری

سپهری (۱۳۹۰)، نقش ایرانیان در تشکیلات مالی و دیوانی خلفا. در این مقاله، تاثیرپذیری نظام مالی دولت خلفا از نظام مالیاتی و دیوانی ساسانی و نقش ایرانیان در اداره سازمان مالی و اداری مسلمانان مورد بررسی قرار می‌گیرد و خواهیم دید که لااقل تا اواخر قرن نخست هجری، نه تنها کارگزاران مالی ایرانی عهده دار اخذ حقوق دولتی و تنظیم دیوان‌های مالی بودند.



شعبانی و خدابخش (۱۳۹۵)، تأثیرپذیری نهادهای مالی اسلامی از بحران های مالی. نتایج پژوهش حاکی از عدم وجود اختلاف معنادار بین میانگین دوره قبل و بعد از بحران برای تمامی شاخص های عملکرد مورد استفاده بود. به عبارت دیگر این پژوهش نشان داد عملکرد بانک های اسلامی از بحران مالی اخیر متأثر نشده است. فعالیت در سایه قوانین موجود در نظام مالی اسلامی و استفاده از ابزارهای موجود در این نظام به عنوان دلایل اصلی عدم تأثیرپذیری ذکر شده است.

پرگاری و گاسکری (۱۳۹۵)، بررسی نظام پولی مسلمانان در حجاز و شام از قرن اول تا دوم هجری قمری. با گسترش بازرگانی، بازرگانان مسلمان علاوه بر سکه از پول اعتباری در داد و ستد استفاده می کردند که از مزایایی چون امنیت و حمل و نقل آسان برخوردار بودند. ضرب سکه و استفاده از انواع پول در معاملات تجاری موجب رشد و رونق اقتصادی در سراسر قلمرو اسلامی گردید.

ویژگی تحقیق حاضر نسبت به بقیه کارهای انجام شده به بررسی نظام مالی ایران به شیوه مقایسه ای انجام گرفته و کاری نسبتاً جدید و تازه در حوزه اقتصاد اسلامی است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی از نظر نوع تحلیل علی پس از وقوع رویدادهای گذشته می باشد و از نظر روش اسنادی و کتابخانه ای و بر طبق بررسی اسناد مرتبط بصورت دقیق و واکاوی علمی تحلیلی انجام شده است.

### نتیجه گیری

از آنچه گذشت، به دست می آید که نظام مالی دولت خلفا، نظامی دقیق و رو به تکامل بوده است؛ و به رغم ادعای برخی، نه تنها ساده نیست بلکه از پیچیدگی های خاصی برخوردار است که صرفاً در چارچوب مقررات و احکام فقهی و حقوقی اسلامی قابل بررسی است و البته نمی توان این نظام مالی را با هر نظام مالی دیگر خصوصاً با نظام های مالیاتی روزگاران پیش از اسلام در ایران و روم مقایسه کرد.

در این نظام جامع، همه شرایط و احوال مد نظر قرار گرفته و بر پایه مبانی عدل و قسط به گونه ای تدوین شده که در حوزه مالیات ها نه بر مؤدیان ستمی رود و نه حقوق دولت و مستحقان نادیده گرفته شود. چنان که در اخذ جزیه هم وضعیت مالی مؤدیان اهل کتاب مدنظر است و صرفاً از مردان قادر به حمل سلاح، آن هم در سه سطح، و البته متناسب با شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی روز جامعه اخذ می شد. در عین حال مسلمانان به هنگام فتح سرزمین های جدید خصوصاً مناطقی چون ایران، نظام مالی سابق را تا آنجا که با اصول کلی اسلامی منافات نداشت و حقوق فاتحان را تأمین می کرد، پذیرفتند و در راه تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی خود، از مأموران و مستوفیان محلی، و نیز دهقانان ایرانی کمک گرفتند. به نظر می رسد در خصوص خراج و جزیه به لحاظ کم و کیف از نظام و مأموران ایرانی بهره ها برده اند. در حوزه دیوان سالاری هم نظام سابق تا

اواخر قرن نخست به همان زبان فارسی ادامه یافت. اداره دیوان‌ها بر عهده ایرانیان بود و هم اینان طرح ترجمه آن به زبان فارسی را پیشنهاد و اجرا کردند. نظام مالی اسلامی علاوه بر ابتدای بر اصول تغییرناپذیر، همواره قابلیت انطباق با شرایط اقتصادی روز جامعه را دارد. علاوه بر این، معلوم شد که ایرانیان و نظام مالیاتی ایران پیش از اسلام در سه حوزه نظام دیوانی، مأموران و مستوفیان، و نظام اخذ مالیات‌ها خدماتی قابل به فاتحان مسلمان سرزمین‌های شرقی کرد.

اداره‌ی جوامع بشری بدون بهره‌گیری از تشکیلات حکومتی توانمند و امکانات مالی مورد نیاز، ممکن نیست و از این‌رو، اسلام نیز منابعی چون خمس، زکات، انفاق و ... را جهت تامین نیازهای مالی خود معرفی و پیش‌بینی نموده است لکن هنگامیکه اعراب با سرزمین‌های مفتوحه همچون ایران روبرو شدند با قوانین مالی مواجه شدند که در حکومت ساده اسلامی نظیر آن را ندیده بودند و البته که این شیوه درآمدزایی خوشایند فاتحان عرب بود چراکه عایدات زیادی را نصیب آنان می‌کرد.

در ایران عصر ساسانی دهقانان توانسته بودند در روند اصلاحات انوشیروان و در راستای رونق اقتصادی کشور و مهار قدرت اشراف، جایگاه مهمی به‌دست آورند و وظیفه‌ی اصلی اداره‌ی امور محلی در روستاها، نظیر نظارت و برنامه‌ریزی در کار کشاورزی، قضاوت و نیز گردآوری خراج و سرانه برای حکومت را بر عهده بگیرند.

ایران در دوره‌ی ساسانی از اقتصادی شکوفا و سازمان‌یافته برخوردار بود که برای تنظیم درآمدهای حاصله، دارای سازمان‌های منسجم و کارآمدی بود و البته از یک نظام طبقاتی بسیار گسترده پیروی می‌کرد که در رویارویی با اعراب و حتی با پذیرش اسلام در همان جایگاه پیشین خود باقی ماند، به‌ویژه طبقه‌ی کشاورزان و دهقانان که از عوامل مهم اقتصادی بودند. به این ترتیب که کشاورزان دارای زمین با حفظ مالکیت اراضی خود، همچون گذشته موظف به پرداخت عواید حاصل از زمین خود در قالب مالیات و خراج شدند و همان‌طور که گفته شد از آنجا که اعراب با روش مالیات‌گیری آشنا نبودند دهقانان را که از قبل مسئول جمع‌آوری خراج اراضی کشاورزی بودند و با میزان خراج هر منطقه آشنایی داشتند بر کار سابق خود ابقا کردند که این وظیفه‌ی اقتصادی را اکنون برای حکام تازه انجام دهند. شاید عمده‌ترین کاری که به ایرانیان واگذار شده بود، همین وصول مالیات بوده است، چنان که گاهی یک نفر ایرانی متصدی جمع‌آوری خراج منطقه‌ای بزرگ می‌شد.

نظام مالیاتی در تشکیلات خلافت اسلامی نیز از مقررات و قوانین حاکم بر جوامع سرزمین پیشین به‌عنوان مرجعی قابل‌اعتماد، استفاده کرد، مثلاً از الگوی دواوین سرزمین‌های فتح شده تأثیر پذیرفت و خراج که در نظام مالیاتی اسلامی براساس آن عمل شد، از سیستم مالیاتی امپراتوری ساسانی پیروی می‌کرد، زیرا این سیستم در ایران سابقه‌ای طولانی داشت.

بعد از آمدن اسلام به سرزمین‌های اطراف به‌ویژه ایران اگرچه حاکمیت سیاسی از دست ایرانیان خارج شد و به دست اعراب افتاد اما آنها به دلیل پیچیدگی سازمان‌های موجود و عدم آشنایی با

اداره‌ی این سرزمین‌ها مجبور شدند که اداره‌ی آن را به خود ایرانیان واگذار کنند و حجم بسیاری از امور اقتصادی جامعه‌ی اسلامی خصوصا در قلمرو شرقی در دست خود ایرانیان بود.

در مجموع سلسله‌ی ساسانی از نظر سامان‌دهی نظام مالی و بحث مالیات و دارایی‌ها و دفتر و دواوین مربوط به آن دارای سیستم عریض و طویل و درعین حال منظمی بود که بسیار مورد تقلید عرب‌ها و حاکمان آن در دوره‌ی اسلامی قرار گرفت و در واقع در دوره‌ی اعراب سازمان‌های مالی ایران تقریبا به همان وضع پیشین باقی ماند چراکه بعد از آن که اموال زیادی به دست اعراب افتاد و در تقسیم آن عاجز ماندند به تقلید از دیوان‌های ایرانی نظام دیوانی تاسیس کردند. دیوان‌های این دوره همان دیوان‌های دوره‌ی ساسانی بود با اندکی تغییر به‌ویژه در اسامی آنها، اما همان وظایف پیشین را دنبال می‌کردند.

ورود اعراب به ایران تنها نظم سیاسی پیشین را بر هم زد و نظام اقتصادی و عمال اقتصاد همچنان بر همان منوال سابق باقی ماندند. ایرانیان در این دوره در سیاست دستگاه اموی نقش قابل توجهی نداشتند اما در اقتصاد آن نقش مهم و البته سازنده‌ای را ایفا می‌کردند که شاید بتوان گفت همین نقش آنها در امور مالی بود که دوام نظام سیاسی اموی را نیز در پی داشت.

خلفای اموی که بنا حکومت خود را بر ثروت و تجمل نهاده بودند برای رسیدن به اهداف مالی خود از اشخاص کاردان و متصدیانی برای وصول مالیات استفاده می‌کردند که این اهداف را برآورده سازند حتی اگر گاهی این برآوری خواسته بدون توجه به مسائل شرعی انجام می‌شد و بر مقدار آن بدون حساب و کتاب‌های مجاز دینی افزوده می‌شد.

از دیگر درآمدهای ساسانیان علاوه بر مالیات ارضی و سرانه و غنائم جنگی و معادن و گمرک، هدایایی بود که در نوروز توسط هدیه‌دهندگان و در دیگر اوقات سال توسط حاکمان و ثروتمندان به شاه داده می‌شد که عینا در زمان اموی و مشخصا از زمان معاویه به دستگاه اسلامی انتقال یافت.

از دیگر امور مرتبط با اقتصاد که از دوران ساسانی به دوران اسلامی انتقال یافت و در دولت خلفا تا چندین قرن همچنان دست نخورده باقی ماند، تقسیمات کشوری مناطقی بود که نهادهای مالیاتی آن نقاط بر پایه‌ی همان تقسیمات وضع شده بود. تقسیم سرزمین عراق به دوازده استان و شصت «طسوج»، از جمله‌ی آن تقسیمات بود.

گاهشمار ایرانی نیز که گردآوری خراج براساس آن صورت می‌گرفت، همچنان دست‌نخورده به عصر اسلامی انتقال یافت، زیرا ملاک عمل در دیوان خراج همان گاهشماری بود و جایگزینی هم نداشت، زیرا گاهشماری عربی قمری بود و در دیوان خراج که مهم‌ترین منابع مالی آن مالیات‌های کشاورزی و گردش کار در آن براساس سال شمسی بود، کاربردی نداشت.

در مورد نظام پولی و تاثیرپذیری آن از نظام پولی ساسانی باید گفت که تجارت اساس اقتصاد جزیره‌العرب پیش از اسلام بود که در قلمرو حکومت‌های ایران و روم قرار داشت و واحد پولی این دولت‌ها درهم و دینار بود که در اقتصاد جزیره نیز مورد قبول بودند. سکه‌های درهم و دینار وزن مشخص و مقدار معینی از نقره و طلا بودند و در تمام دوران صدر اسلام این اوزان ثابت ماندند و

هنوز میزان زکات طلا و نقره براساس همان اوزان درهم و دینار صدر اسلام است. گسترش فتوحات در قلمروهای ایران و روم نیز بر رواج سکه‌هایی که در این دو دولت استفاد می‌شدند افزود. درست است که مسکوکات طلا در مقادیر معتدبهی وارد نظام پولی ایران شده بود اما در دادوستدهای بین‌المللی نقش کمتری داشتند و در واقع در سراسر شاهنشاهی ساسانی سکه‌ی اصلی، درهم سیمین بود و احتمالاً در دوره‌ی اسلامی نیز درهم متداول‌تر از دینار بوده چراکه تقریباً تمام ایران در همان صدر اسلام به تصرف اعراب درآمد و نیز اداره‌ی بیت‌المال از همان زمان عمر به عهده‌ی ایرانیان بود که طبیعتاً ایرانیان حساب‌ها را برحسب درهم ارائه می‌دادند.

#### محدودیت‌ها

همان‌طور که گفته شد اگر چه قوانین مالیاتی اسلام در کتاب‌های فقها از ابویوسف تا ماوردی و همچنین مجموعه‌های حدیث، ساده و روشن می‌نماید، اما در واقع پیچیده و مشکل است و از آنجا که متاسفانه اطلاعات ما در مورد دستگاه مالی امویان بسیار نادر است، به این علت که قدیمی‌ترین مأخذ عصر اسلامی، مربوط به دوره‌ی عباسیان است که آنها نیز غالباً به رویدادهای سیاسی و تاریخی پرداخته‌اند و جز اشاره‌های ضمنی و جنبی، توجه مخصوصی به دستگاه و سازمان مالی نکرده‌اند؛ نمی‌توان تصویری روشن از وضع مالی امویان ارائه نمود و این بزرگترین محدودیت در راه پژوهش حاضر بود.

منابع:

- آلتهايم، فرانتس؛ استیل، روت؛ گوبل، روبرت (۱۳۸۲) تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه‌ی هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۹۵). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: بدرقه‌ی جاویدان.
- ابن خردادبه، (۱۳۷۰). المسالك و الممالک، ترجمه‌ی حسن قره‌چانلو، بی‌جا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳). تاریخ ابن خلدون، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، تهران، علمی و فرهنگی.
- امیرعلی، (۱۳۵۹). تاریخ عرب و اسلام، ترجمه‌ی محمود فخرداعی، تهران، گنجینه.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۵۶). ساخت دولت در ایران از اسلام تا یورش مغولان، تهران، امیرکبیر
- بروجردی، حسین (۱۴۰۷ق) جامع الاحادیث شیعه، بی‌جا
- بریان پیر (۱۳۸۱) تاریخ امپراطوری هخامنشیان، ترجمه‌ی ناهید فروغان، تهران، توس
- بهدادی میر، نیما (۱۳۸۹) هدفمند کردن اقتصاد در آیین حکومت علوی، اقتصاد، شماره ۸
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷). فتوح البلدان، ترجمه‌ی محمد بن توکل، تهران: نقره.
- پیگولوسکایا، ن. و (۱۳۵۳). تاریخ ایران. ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران، نشر پیام
- پرگاری، صالح و کاسگری، سکینه خدابخشی (۱۳۹۵)، بررسی نظام پولی مسلمانان در حجاز و شام از قرن اول تا دوم هجری قمری. فصلنامه تاریخ نو، شماره شانزدهم، پائیز
- حسینی مازندرانی، سید موسی (۱۳۸۲). العقد المنیر فی تحقیق ما يتعلق بالدرهم و الدنانیر، بی‌جا
- جعفریان، رسول (۱۳۶۸). تاریخ سیاسی اسلام، قم.
- جهشپاری، عبدالله (۱۳۴۸). الوزرا و الکتاب، ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی، (بی‌جا).
- خزائی، زینب؛ یزدان پور، مرجان (۱۳۹۴). مالیات‌های اسلامی و جایگاه آن در تامین منابع مالی. مجله‌ی اقتصادی، ش ۳ و ۴
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). ناگفته‌های امپراتوری ساسانی، ترجمه‌ی محمود فاضلی، تهران، نشر پارسه
- دنت، دانیل (۱۳۴۵). جزیه در اسلام، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران، سروش.
- دنت، دانیل (۱۳۵۷). مالیات سرانه، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.
- دینوری، ابوالحنیفه (۱۳۶۶). اخبار الطوال، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی
- الرئیس، ضیاء‌الدین (۱۳۷۳). خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی، ترجمه‌ی دکتر فتحعلی اکبری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.

- رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۸۴). پژوهشی در بیت‌المال (قسمت اول)، فصلنامه‌ی فرهنگ جهاد، شماره‌ی ۴۱-۴۲.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷). تاریخ مردم ایران، تهران، امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۹). تاریخ تمدن در اسلام، ترجمه‌ی علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر
- سامانی، سید محمود (۱۳۸۴). دستگاه مالی امویان با تکیه بر قلمرو شرقی خلافت، مجله‌ی علمی پژوهشی تاریخ اسلام در آیین‌ی پژوهش، شماره‌ی ۶.
- سامر، فیصل (۱۳۹۱). دولت حمدانیان، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سرفراز، علی‌اکبر؛ فیروزمندی، بهمن (۱۳۹۱). باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی، تهران، مارلیک، سیستمی، محمداعظم (۱۳۴۶). اوضاع اقتصادی سیستان، مجله آریانا، ش ۲۷۲.
- شمس اشراق، عبدالرزاق (۱۳۶۹). نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان، دفتر خدمات فرهنگی استاک
- صالح آبادی، علی (۱۳۸۴)، اصول و مبانی بازارهای مالی اسلامی و درس‌هایی برای ایران، هم اندیشی مدیریت ایران: تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۲). تاریخ طبری، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- فراز نسب، رضا؛ رحیمی، کاظم؛ احمدی، زهرا؛ عابدی، عباس (۱۳۹۸). تحلیلی بر ضرب سکه‌ی مستقل اسلامی در عصر امویان، تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره‌ی ۵۰.
- فهمی محمد، عبدالرحمن (بی‌تا). فجرالسکه‌العربیة، بی‌جا
- قاسم بگلو، مرتضی (۱۳۸۵). سکه‌های سیراف، تهران، موسسه‌ی مطالعات بوشهر.
- کریم‌سن، آرتور (۱۳۱۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، نشر نگاه.
- گولد، جولوس، کولب، ویلیام (۱۳۸۴) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، مازیار گیزلن، ریکا (۱۳۸۱). سکه‌ی مسی عرب، ساسانی، ترجمه‌ی سیروس نصرالله‌زاده، تهران، کتاب ماه.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۵). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از ساسانی به اسلامی، تهران، توس.
- محمدی، سپهر (۱۳۹۰). نقش ایرانیان در تشکیلات مالی و دیوانی دولت خلفا، فصلنامه‌ی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. شماره‌ی ۵.
- مقدسی، ابو عبدالله (۱۳۶۱). احسن التقاسیم، تهران، شرکت مولفان و مترجمان
- میر معزی، سیدحسین (۱۳۸۰) امام علی (ع) و اصلاحات اقتصادی، کتاب نقد، شماره ۱۹
- نفیسی، سعید (۱۳۴۲). تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اسلامی.

نقشبندی، محمود (۱۳۶۹). درهم‌های عرب‌ساسانی، ترجمه‌ی امیر شاهد، اصفهان، فیروز  
 یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۴). تاریخ یعقوبی، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی  
 و فرهنگی. **دانش‌نامه‌ی جهان اسلام**  
 یوسفی، احمد علی (۱۳۸۰). تحلیل تاریخی تورم و کاهش ارزش پول، فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی،  
 شماره‌ی ۲  
 پول و نظام‌های پولی (بی تا، بی جا) قم، حوزه علمیه قم. (این کتاب مرجع است و در هر جایی هم  
 با اسم کتاب رفرنس داده می‌شود چون مولف بخصوصی ندارد).

Demirguc-Kunt, A. and detragiache, E. (2005). 'empirical ananlysisi of  
 the causes and consequences of bankingcrisis', National institute  
 Economic Review, april